

■ بحث و گفت‌وگو درباره چرایی آغاز جنگ تحمیلی از دهه ۶۰ تاکنون در جریان است؛ مساله‌ای که در کنار اهمیت فراوان آن به لحاظ تاریخی، در طول این سال‌ها از سوی جریان‌های ضدانقلاب خارج‌نشین با هدف عوض کردن جای جلا و شهید و مقصر جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در رخ دادن جنگ تحمیلی ۸ ساله، مورد سوءاستفاده قرار گرفته است



در طول ۴ دهه‌ای که از آغاز تجاوز نظامی عراق به کشورمان می‌گذرد، گروه‌های معارض و ضدانقلاب با تبریئه صدام، ایران را عامل شروع جنگ معرفی کرده‌اند!

ماجرای جویبی یک دیوانه

علی عوض‌خواه: با اینکه بیش از ۴ دهه از زمان آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران می‌گذرد، همواره سوالی که در ایام سالروز این واقعه مطرح می‌شود، علل آغاز جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران است. بحث و گفت‌وگو درباره چرایی آغاز جنگ تحمیلی از دهه ۶۰ تاکنون در جریان است؛ مساله‌ای که در کنار اهمیت فراوان آن به لحاظ تاریخی، در طول این سال‌ها از سوی جریان‌های ضدانقلاب خارج‌نشین با هدف عوض کردن جای جلا و شهید و مقصر جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در رخ دادن جنگ تحمیلی ۸ ساله، مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. علاوه بر این، موضوع چرایی آغاز جنگ تحمیلی به دستاویزی برای برخی جریان‌های سیاسی از جمله حزب منحل نهضت آزادی بدل شده تا به وسیله آن به تسویه‌حساب‌های جناحی و گروهی با نظام و انقلاب پردازند. چنانچه باقی‌مانده‌های این گروه پیوسته تلاش داشته‌اند تا به جای صدام و حامیان بین‌المللی او، جمهوری اسلامی را مسؤوّل آغاز جنگ معرفی کنند. در همین ارتباط سال گذشته خاطره‌ای از بازرگان منتشر شد که وی در آن مدعی شده بود علت آغاز جنگ به رفتار حضرت امام(ره) با حکومت وقت عراق مرتبط است و در توهینی آشکار به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، راهکار پایان جنگ را «سر منطبق آمدن امام» دانسته بود. اما زمینه‌ها و دلایل وقوع جنگ تحمیلی ۸ ساله صدام و رژیم بعث علیه ایران چه بود؟ در مقطعی از تاریخ که هر کشوری لاجرم باید به عضویت یکی از بلوک‌های شرق و غرب درمی‌آید، با پیروزی انقلاب اسلامی، مردم ایران به طور رسمی استقلال از شرق و بیشتر غرب را به دنیا مخایره کردند. پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ این پیام را در پی داشت که برای زنده ماندن و زیستن در دنیای دوقطبی، لزوماً نیازی به وابستگی به قدرت‌ها نیست، چنانچه جمهوری اسلامی ایران نیز بنا به فرمایشات حضرت امام خمینی، شعار نه شرقی، نه غربی را سرلوحه سیاست‌ورزی خود قرار داده است. انقلاب اسلامی ایران ثمره سال‌ها مجاهدتی بود که مردم ایران برای برپایی یک حکومت دینی به رهبری امام خمینی انجام داده بودند اما این یک روی سسکه بود و روی دیگر سسکه، به خطر افتادن منافع ایالات متحده بود که تا پیش از بهمن ۵۷، توسط محمدرضا پهلوی در منطقه تأمین و حفاظت می‌شد و

همین موضوع نیز تأثیر خود را در آغاز جنگ همه‌جانبه علیه ایران نشان داد. ■ آمریکا، ضداستقلال ایران آمریکا به دنبال این بود که برای بازگشت به شرایط پیش از بهمن ۵۷، انقلاب اسلامی را در نطفه خفه کند. وقوع چند کودتای بی‌دربیی با هدف براندازی جمهوری اسلامی، از جمله کودتای نقاب، درست یک ماه قبل از حمله سراسری رژیم بعث به ایران نیز مؤید همین نکته است. بر همین اساس باید گفت استقلال خواهی مردم ایران و پیروزی انقلاب اسلامی و تلاش‌های نافرمام آمریکا برای براندازی انقلاب، منجر به این شد که آمریکا سراغ گزینه جنگ و تحریک صدام علیه ایران برود. در همین رابطه هاشمی‌رفسنجانی می‌گوید: «شروع جنگ تحقیقا برای نابودی انقلاب بود و از آن رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب راضی نبودند، غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیماً علیه منافع خود می‌دانست و از نظر آمریکایی‌ها باید در ایران شریايطی به وجود آید که دیگران (سایر ملت‌های استقلال‌طلب) ناامید شوند». هاشمی در یک گفت‌وگوی رسانه‌ای در سال ۹۰ در اظهارات دیگری می‌گوید: «پیش از آغاز جنگ، مخصوصاً چند ماه قبل از شروع، این حرف همیشه مطرح بود که سناریوی بعدی آمریکایی‌ها، بعد از شکست در طیس، یک جنگ است. این تصور برای خیلی‌ها بود و گاهی می‌توانستیم از حرف‌های آنها بفهمیم که توطئه بعدی آنها یک نوع خاص است که نمی‌توان جلوی آن را گرفت. البته ما اقدامی نکردیم که عامل جنگ شود و عراق را برای شروع حمله تحریک کند. تقریباً از ۶ ماه اول سال ۱۳۵۹ تجاوزات مرزی عراق شروع شده بود. همان موقع وزارت خارجه ما حدود ۶۰۰ نامه اعتراضی به خاطر اقدامات مرزی به مسؤولان عراقی نوشت. از کارهای ایدئیی عراق در مرز به سازمان ملل شکایت کرده بودند. شاید اقدامات آنها شناسایی برای رزم بود یا می‌خواستند ما را عصبانی کنند که اقدامی بکنیم تا آنها شروع‌کننده جنگ نباشند و اقدام ما را بهانه‌ای برای آغاز حملات خود قرار دهند». هاشمی‌رفسنجانی در پاسخ به آنهایی که مدعی بوده و هستند انقلاب اسلامی ایران صدام را تحریک به آغاز جنگ علیه ایران کرد نیز اظهار می‌کند: «انقلابی که تازه پیروز شده و مساله تصفیه ارتش، پلیس، سازمان‌های اطلاعاتی و

همچنین مساله گروهک‌های فراوان چپ و راست [مطرح] و درگیر با جنگی مسلحانه در داخل [کشور] است، چگونه می‌تواند عراق را تحریک به جنگ کند.» ■ هراس کشورهای متحجر منطقه از انقلاب‌های بی‌دربی علاوه بر ایالات متحده، روی کار آمدن یک حکومت دینی مستقل از شرق و غرب، کشورهای متحجر عربی را نیز از بابت به وقوع پیوستن انقلاب‌های مشابه انقلاب اسلامی در منطقه نگران کرده بود و از همین رو از فرادای پیروزی انقلاب اسلامی در صدد مقابله با انقلاب اسلامی ایران برآمدند. بنا بر گزارش روزنامه «الوطن»، عراق و عربستان تنها یک روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گزینش تدابیر امنیتی برای مقابله با انقلاب اسلامی را در دستور جلسه یک کنفرانس عالی کشورهای حوزه خلیج‌فارس قرار دادند. در همین رابطه «جیمز بیل» نویسنده کتاب «شسیر و عقاب» که به تحلیل و بررسی روابط سیاسی ایران و آمریکا از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۸۷ پرداخته، در کتاب خود می‌نویسد: «عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه و نابود کند که این موضوع برای کشورهای دیگر منطقه، مثل عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس نیز خوشایند بود». جدا از هراس رژیم بعث از انقلاب اسلامی که پیش‌تر به آن اشاره شد، به وجود آمدن خلأ قدرت در منطقه که با سقوط رژیم پهلوی رخ داده بود، صدام را به این نتیجه رساند که با تبدیل شدن به ابر ایالات متحده برای سرکوب انقلاب ایران، جای محمدرضا پهلوی را به‌عنوان زاندارم منطقه پر کند. رژیم بعث عراق با توجه به شرایطی که در پی پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به وجود آمده بود و دستاویز قرار دادن برخی مشکلات مرزی و همچنین با شعار ظالمانه بودن قرارداد الجزایر، در شرف حمله به ایران قرار داشت. اگرچه حمله عراق به ایران منوط به موافقت آمریکایی‌ها بود که آن هم در ملاقات صدام با برزیسکی حاصل شد. «کنت آر. تیمرمن» در کتاب «سوداگری مرگ (ناگفته‌های جنگ عراق با ایران)» می‌نویسد: «ملاقات صدام و برزیسکی در تیزر ۵۹ در مرز ۲ کشور اردن و عراق، بخشی از تلاش‌های مشترک آمریکا و عراق با هدف هماهنگ کردن فعالیت‌های ۲ کشور علیه ایران بود. این دیدار به منزله چراغ سبز آمریکا به عراق درباره جنگ با ایران تلقی شد.» ■ تصمیم جدی صدام برای حمله به ایران با سقوط رژیم پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی، ایران شرایط منحصربه‌فردی را تجربه می‌کرد. در پی تاسیس جمهوری اسلامی، نهادهای حکومتی و نظامی باقی‌مانده از حکومت پهلوی در حال نوسازی بودند و به همین دلیل

حاکمیت قدرتمندی وجود نداشت. این موضوع باعث شده بود گروهک‌ها و سازمان‌های ضدانقلاب و تجزیه‌طلب وابسته به بیگانگان فرصت را مغتنم شمرده و در راستای اهداف خود فعالیت کنند. جابه‌جایی نظام سیاسی ایران در ایران تحت رصد دولت‌های خارجی از جمله رژیم بعث عراق نیز قرار داشت و صدام با ناتوان ارزیابی کردن قدرت نظامی ایران برای دفاع از تمامیت ارضی خود، فرصتی برای حمله به جنوب ایران پیدا کرده بود. به عبارت بهتر، به زعم صدام، جمهوری اسلامی نمی‌توانست در صورت مواجهه با یک حمله خارجی دفاع قابل توجهی داشته باشد و در نتیجه وی می‌توانست از طریق تجاوز به مرزهای سرزمینی ایران، خواسته‌های خود را به حاکمیت جدید ایران تحمیل کند. با این حال برخی افراد و گروه‌های زاویه‌دار با جمهوری اسلامی مدعی هستند صدام بنای مذاکره با ایران را داشت و مخالفت سران جمهوری اسلامی با این موضوع باعث به وقوع پیوستن جنگ ۸ ساله شد. اما اسنادی که از اسناد آرشیو محرمانه حکومت بعثی عراق منتشر شد، حاکی از آن است که صدام از ابتدا بنای حمله نظامی به ایران را داشت. طبق این اسناد صدام حسین، چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جلسه‌ای بر حمایت از گروهک‌های تجزیه‌طلب در خوزستان و کردستان ایران گفته بود: «هم عرب‌ها و هم کردها الان دارند ششور می‌کنند و آنها باید به خودمختاری برسند. اگر عرب‌های خوزستان اسلحه، پول، تبلیغات رسانه‌ای و حمایت سیاسی بخواهند، حکومت عراق برای آنها فراهم خواهد کرد». صدام در جلسه‌ای دیگر با مشاورانش که قبل از شروع جنگ با ایران برگزار شده بود، اظهار کرده بود سیاستش اشغال تدریجی میمک و زین‌القوس از ایران است. صدام از تصرف گام‌به‌گام سخین می‌گفت و اظهار می‌کرد این سیاست برای این است که ایران بیش از حد واکنش نشان ندهد. صدام پیمان الجزایر را مرده خوانده و اذعان می‌کرد ادعای عراق برای بازگشت به مفاد قرارداد الجزایر صرفاً بهانه‌های حقوقی برای توجیه تجاوز نظامی عراق است. وی می‌گفت: «من دنبال دلایل حقوقی نمی‌گردم. آنچه حالا برای ما اهمیت دارد این است که ما می‌توانیم زمین‌هایمان را پس بگیریم. همین! همه دلایل حقوقی دیگر باید برای افکار عمومی بین‌المللی ارائه شود». یکی از اهداف رژیم بعث عراق از حمله به ایران، ارتقای جایگاه

یکی از اهداف رژیم بعث عراق از حمله به ایران، ارتقای جایگاه عراق در بین کشورهای عرب بود. از این رو که اگر عراق موفق به تصرف بخش‌هایی از سرزمین ایران می‌شد، وجهه قهرمانانه‌ای در جهان عرب به آن می‌گرفت. عزت ابراهیم، معاون خود می‌گرفت. عزت ابراهیم، معاون صدام هم اظهار کرده بود حمله به ایران یک فرصت تاریخی برای ارتقای جایگاه عراق در جهان عرب است

عراق در بین کشورهای عرب بود. از این رو که اگر عراق موفق به تصرف بخش‌هایی از سرزمین ایران می‌شد، وجهه قهرمانانه‌ای در جهان عرب به خود می‌گرفت. در همین رابطه و طبق اسناد مورد اشاره، عزت ابراهیم‌الدوری، معاون صدام اظهار کرده بود حمله به ایران یک فرصت تاریخی برای ارتقای جایگاه عراق در جهان عرب است. وی گفته بود: «اگر این کار با موفقیت انجام بگیرد، عراق را در جایگاهی برجسته و بسیار مؤثر قرار خواهد داد. عراق از این طریق در آینده می‌تواند گام‌های بزرگی در جهت تحقق اهدافش در داخل و در جهان عرب بردارد. همچنین این فایده را دارد که یک ارتش انقلابی و ایدئولوژیک بر اساس این اصل می‌سازیم که نیروی مسلح خلق عرب باشد و این اقدام، آن را از نظر روانی، معنوی، نظامی و فنی به طراز یک نیروی نخبه و سطح بالا ارتقا می‌دهد». طبق اسناد به دست آمده از آرشیو محرمانه رژیم بعث، سازمان اطلاعات نظامی عراق در گزارش محرمانه‌ای درباره اوضاع ایران پیش‌بینی کرده بود رابطه نظام جدید با سازمان‌های مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق بدتر خواهد شد. استخبارات در این گزارش به درگیری حکومت مرکزی با گروه‌های ضدانقلاب در کردستان اشاره کرده و گفته بود: «کمبود تدارکات و ادامه تفرقه و تضاد در میان نیروهای سیاسی باعث تضعیف بیشتر توان رزمی ایران خواهد شد. با این اوصاف واضح است که در حال حاضر ایران توان عملیاتی تهاجمی گسترده علیه عراق را دفاع از خود در مقیاس وسیع را ندارد». صدام در یکی از جلسات خود اعلام کرده بود: «ولوتیش درگیری محدود در ارونه است اما اگر ایرانی‌ها بخواهند بیش از حد واکنش نشان دهند، سر آنها را در گل فرو خواهیم کرد تا به اراده سیاسی ما عمل کنند». وی در بخش دیگری از اظهارات خود در حالی که جمهوری اسلامی ایران را نژادپرست، عقب‌مانده و نفرت‌انگیز توصیف کرده بود، دستور داده بود چنین توصیفات از رادیوی فارسی عراق حذف شود و آنچه باید از رادیو فارسی عراق برای مردم ایران پخش شود این است که رژیم بعث ضدایران نیست. همه این موارد بیانگر آن است که صدام از ابتدای پیروزی انقلاب و با برداشتی که از وضعیت سیاسی و نظامی ایران داشت، تصمیم به آغاز جنگ علیه ایران را گرفته بود و هیچ چیزی نمی‌توانست او و رژیم بعث را از انجام این کار منصرف کند.

رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی الجزیره:

فایده‌ای در مذاکره مستقیم با آمریکایی‌ها نمی‌بینم



گروه سیاسی: رئیس‌جمهور با بیان اینکه ایران یک دور مذاکره مستقیم با آمریکا را تجربه کرده است، گفت: فایده‌ای بر مذاکره مستقیم مترتب نمانده و ثابت شده آنها دنبال امتیازگیری‌های بیشتر هستند. ما هیچ‌گونه فایده‌ای برای مذاکره مستقیم با آمریکایی‌ها نمی‌بینیم و نفع ملت خودمان را هم در مذاکره نمی‌بینیم. حجت‌الاسلام سیدابراهیم رئیسی در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی الجزیره انگلیسی درباره آخرین وضعیت مذاکرات ایران و ۴۱ در وین گفت: موضوع بحث و انتظار ما از مذاکرات وین رفع تحریم‌های ظالمانه علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این توافق آنکه به تعهد خود عمل کرد، جمهوری اسلامی ایران بود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قریب به ۱۵ بار اعلام کرد جمهوری اسلامی ایران به تعهداتش عمل کرده و فعالیت‌های هسته‌ای ایران هم صلح‌آمیز است. وی ادامه داد: این آمریکایی‌ها بودند که از توافق خارج شدند و این کشورهای اروپایی بودند که به تعهدات خود عمل نکردند. در وین مساله رفع تحریم‌ها را دنبال کردیم و البته تاکید داشتیم هر توافقی باید با یک تضمین همراه باشد. دلیل مطالبه تضمین نیز این است که طرف‌های ما در توافق، نقض پیمان کردند و حالا به طور طبیعی باید اعتمادی حاصل شود که آنها دوباره نقض پیمان نمی‌کنند؛ پس تضمین ضرورت دارد. رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه رفع تحریم‌ها باید با حل و فصل موضوعات پادمانی همراه باشد، اظهار کرد: اگر قرار باشد موضوعات ادعایی که ما معتقدیم سیاسی و بی‌اساس است، علیه جمهوری اسلامی باقی بماند، توافق اثر و فایده‌ای ندارد، چون ممکن است طرف‌های توافق همان‌گونه که حین مذاکرات به شورای حکام آژانس انرژی اتمی قطعنامه پیشنهاد کردند، با سوءاستفاده از نفوذ و ارتباطاتی که وجود دارد، دوباره مشکل ایجاد کنند. رئیسی ادامه داد: پس موضوعات

روابط با کشورهای دیگر منطقه، بویژه کشورهای همسایه است و در واقع نگاه متعادل و متوازن را قبول داریم. در این راستا هم با کشورهای همسایه، هم با کشورهای شرقی و هم با آن دسته از کشورهای غربی که نخواهند با روحیه سلطه‌طلبی و استکباری با ما برخورد و دشمنی کنند، می‌توانیم ارتباط برقرار کنیم. در ابتدای کار دولت اعلام کرد دست همه کشورهای بویژه همسایگان را به گرمی می‌فشارم و همین سیاست را ادامه می‌دهم. نه ظلم می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران خواهیم رفت؛ این سیاست جمهوری اسلامی است.

با قدرت‌های شرق گفت: در سیاست خارجی این دولت متعادل و توازن وجود دارد. ما می‌خواهیم با همه کشورهای بویژه کشورهای مستقل، ارتباط داشته باشیم. ما با چین برنامه همکاری ۲۵ ساله داریم و به دنبال اجرای این برنامه هستیم. ارتباط با چین راه‌م تأثیر از تباطات دیگر بین‌المللی نمی‌کنیم. ارتباط جمهوری اسلامی ایران با چین از ابتدای پیروزی انقلاب برقرار بوده و رو به گسترش است. با روسیه هم همین‌طور، یعنی ارتباط وجود داشته و الان هم در حال توسعه است. وی ادامه داد: بنای دولت سیزدهم گسترش

امتیازگیری‌های بیشتری هستند. ما هیچ‌گونه فایده‌ای برای مذاکره مستقیم با آمریکایی‌ها نمی‌بینیم و نفع ملت خودمان را هم در مذاکره نمی‌بینیم. چرا آمریکایی‌ها تعهدات خود را در رابطه با این قرارداد انجام نمی‌دهند؟ ملت ایران باید ببیند آیا آنها در گفتار و عمل خود صادق هستند یا باز در میانه مذاکرات به دنبال افزایش و گسترش تحریم‌ها علیه ملت ایران می‌روند! آمریکایی‌ها باید حسن نیت خود را به ایران اثبات کنند. رئیسی در ادامه درباره سیاست دولت سیزدهم در تعامل